
سفر به دور اتاقم

اگرویه دومستر

مترجم
احمد پرهیری



نشر ماه

تهران

۱۳۹۸

فصل یک



چه شکوهمند است طرحی نو در انداختن و یکناره گام بهادن در جهان دانشمندان، با اکتشاف نامه‌ای در دست، درست همچون ستاره‌ای دیماله‌دار که ناگهان در آسمان می‌درخشد!

به، بیش از این کتابم را بهان بحواهم داشت حصرات، این شما و این هم کتاب بنده! بحواپیدش! من به اطراف و اکفاف اتاقم سفری کردم که چهل و دو رور به طول انحامید مشاهدات حالی که داشتیم و حظّ مدامی که طی مسیر بردم مرا بر آن داشت تا آن را در دسترس عموم قرار دهم، تصمیمی برحاسته از اعتقادی راسخ به سودمدی در قنال حامعه به انوه آشفته‌حالانی می‌اندیشم که اکون این پادرهر مطمئن ملال و داروی آرامش بحش دردهایشان را تقدیمشان می‌دارم و قلمم از این خیال سرشار از شععی وصف‌ناپدیر می‌شود آدمی از سفر به دور اتاق خود لدتی می‌برد که از حسادت آزاربنده‌ی مردمان در امان است و برای دست‌یافتن بدان حاجت به هیچ مال و ثروتی بیست

به‌راستی آیا می‌توان موخودی را یافت چنان بیچاره و مروی که حتی آلوبکی هم نداشته باشد تا در آن عرلت‌گرید و از چشم مردمان پنهان شود؟ ناری، این سفر سار و برگی حر این نمی‌خواهد

فصل دو



در این فکر بودم که تمحیدار سیاحت خود را ناگفتن این نکته آعار کم که این سفر هیچ حراحی روی دستم نگداشت این نکته ای است در حور درنگ درست نه همین سب است که مردمان تنگدست ار این پیشهاد استقبال می کنند و آن را می ستایند با این همه تردید باید کرد که پیشهاد من درست نه همین سب، یعنی کم حراحی، نه مذاق گروه دیگری ار آدمیان سر حوش می آید و آسان حتی بیش ار دیگران پیشهادم را خواهد پسندید می پرسید چه کسانی، بله؟ عجب، پس کحکاوید ندانید؟ مطورم مردمان ثروتمند است وانگهی، این شیوهی مسافرت، هر طور که فکرش را نکسید، مناسب بیماران هم هست! دیگر بیاری نیست ار آب و هوای نامساعد و تعیر فصول بهراسد برای بردلها بیر مناسب است، چون ار چنگ راهرنا در امان خواهد بود نه چاله ای پیش پایشان سر خواهد شد و نه چاهی هزاران هرا ر آدمی که پیش ار من حرأت کرده بودند پا به چس سهری نگدارند، دیگرانی که ار پیشش بریامده بودند و آنانی که حتی فکر این سفر بیر نه سرشان برده بود، همه و همه، نه پیروی ار من تصمیم مشابهی خواهد گرفت حتی تسل ترین آدم روی رمین هم بی لحظه ای